

هشت گفتار درباره‌ی

موسیقی ۳

به مناسبت هشتاد و پنجمین سالگرد پیدایش موسیقی ایرانی

موسیقی ایران و الحان موسیقی ایرانی

داریوش گنجوی

صفوت، داریوش، ۱۳۰۷ - ۱۳۹۲.
هشت گفتار درباره‌ی موسیقی ۳: به تضمام رساله‌ی پژوهشی درباره‌ی استادان
موسیقی ایران و لحن موسیقی ایرانی / داریوش صفوت.
تهران: ارس، ۱۳۹۲.

ISBN: 978-602-5630-44-2

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
۱. موسیقی -- فلسفه و زیبایی‌شناسی. ۲. موسیقی ایرانی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها.
۳. موسیقی‌دانان ایرانی. ۴. موسیقی ایرانی -- دستگاه‌ها.

۷۸۱/۱۷

ML ۳۸۴۵/ص ۷۵۴

۱۳۹۲

۳۲۸۲۳۴۳

کتابخانه ملی ایران

همه گفتار درباره‌ی موسیقی ۳

در یوش صفوت

در بیت چاب‌دول

تألیف: ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۵۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۲-۶۶۳۰-۴۴-۲

کلیه حقوق محفوظ است

تهران، خیابان یوسف آباد، نبش خیابان دوازدهم

پلاک ۴، طبقه سوم غربی

تلفن: ۶۶۴۸۸۱۸۰

مرکز پخش: ۶۶۴۰۴۵۳۲

منتشرار



فهرست

مقدمه‌ی ناشر ۹

بخش اول / گفتاری در باره موسیقی ۱۳

گوشه‌هایی از تاریخ موسیقی ایران ۱۵

آشنایی با فرهنگ ایران ۲۹

معمای تکرار در موسیقی ایرانی ۵۳

عنصر «حال» در موسیقی ۶۳

موسیقی عرفانی ۶۷

پرسش و پاسخ ۹۳

۳۲ پرسش و پاسخ درباره‌ی مسائل اصولی موسیقی ۹۹

بخش دوم / پژوهشی کوتاه درباره‌ی استادان ... ۱۲۰

پیش‌گفتار ۱۳۷

۱. دوره‌ی پیش از اسلام ۱۳۹

۲. دوره‌ی بعد از اسلام تا مشروطیت ۱۶۳

۳. دوره‌ی معاصر ۱۹۷

مقدمه‌ی ناشر

هنر از جمله مخلوقات قوه‌ی خلاق است، که از دیرباز در پهنه‌ی گیتی رخت گسترانیده تا ذی‌شعوری، آن را موکب افکار خویش را برافشاند و سرانجام، کیفیت احساسش به دیگران مؤثر افتد. شأن هنر، خلعت حقیقت است. هنر، آن منتخب سرچشمه‌ی هستی، مَرکَب لطیف و عمیق افکار الهی گشت، تا الفت یانش، دل و جان هر مخلوق را پرنیان سازد و توان حمل معانی عمیق و مفاهیم عظیم بر گردن خویش داشته باشد از این روست که حقیقت در رخت هنر هویدا شد.

صاحبان فکر و شعور، به جهت بیان کمیات و کیفیات، وسایط به ابزاری متوسل شدند، تا افکار و اشعار خویش را به دیگران سرایت دهد. در میان ادوات، آن یک را برگزیدند که توان نفوذ و رسوخ بیشتری در سرایش داشته باشد. سر، آن برگزیده است.

در این کتاب که سومین جلد از سخنرانی‌ها و مقالات دکتر داریوش صفوت است، به هنر موسیقی از منظر فلسفی-عرفانی نگاه شده است. هنر زبان زیبای روح است و زبان، جامه‌ی اندیشه موسیقی آن است که به تألیف و ایقاع، روح را به اهتزاز درآورد و در آخر، منظر فلسفی، نگاه به «چیستی» موضوع است، از

آن جهت که علت وجودی آن شیء، مورد عنایت قرار گیرد و اگر این نگاه به عرفان آغشته شود، لاجرم باید پرسید آن شیء از کجا آمده، در آمدنش چه هدفی است و سرانجامش به کجاست.

در قرون اخیر، که به عقیده‌ی برخی عصر بی‌خبری از خود و واماندن از فطرت اصیل خویش است، نظریات و فلسفه‌های نوظهور، بر کمیل خرد نشسته‌اند به سرعت در حال تاخت و تازند در این قافله، هنر و فلسفه‌ی هنر نیز، مسافران تازه‌رسیده‌ای با خود به‌همراه دارند هنر ایرانی که قدمتش دیرین است و به بلندای این جهان رسیده، همواره با خرد همراه بوده و هرگاه به عطر عرفان درآمیخته، چشم و گوش و دهن هر بیننده و شنونده و دارنده‌ی قوه‌ی عاقله را مسحور و مدهوش ساخته است. شاید قرائن گواهند، که هنر موسیقی در اختیار فکر و اندیشه بوده است. آن هنگام که گات، اوستایی، در عصر مدهای آریایی، راز و نیاز و نجوای سماوی زرتشت و پادشاهان هخامنشی افلاکیان می‌رساند، این هنر بود که مضامین آسمانی را بر بال خویش پهن کرده بود^۱ همچنین است که کوروش بزرگ، سپاهیان را تهییج کرده و به میدان جنگ روان ساخته بود، نه زور و نه ضرب زمخت سنان به آواز کوس و صدای همان^۲.

اردشیر پاکان، آن سرسلسله‌ی ساسانیان، به ساز تنبور نغمه‌سرایی کرده بود، آن نوبت که هنوز تاج کیانی بر سر نهاده و از گنج‌های گمنانش ملتجی به اصطبل بود او در هنر چه دید که قصه‌ی غصه‌ی خویش را بر زبان باز کرده بود؟^۳ پس از ورود اسلام به ایران، منابع معتبر به‌وفور در اختیارند و به این موضوع، که هنر موسیقی نزد ارباب عقول مرسوم بوده است. کتب و رسائل و رسائل فلسفه‌ی ایرانی، از جمله ابن سینا و فارابی، در باب صناعت موسیقایی انتشار یافته‌اند و گفته

۱. تاریخ مختصر موسیقی ایران، تقی‌بینش، نشر هستان، چاپ هفتم، ص ۱۴ «... بخش اصلی کتاب زرتشت یا اوستا، گات‌ها یا گاتا، مجموعه‌ای از شعر آزاد (هجایی) به نظر می‌رسد که با آهنگ و به‌صورت نیایش خوانده می‌شده...»

۲. بانگ و غریوکننده (فرهنگ معین)

3. Farmer, H.G, Music (A Survey of Persian Art), vol. 6, London, 1967

پیداست که اهل خرد بی‌علت دست به کاری نبرند، که این دور از حکمت باشد ساده و صورت عالم مجردات و مادیات وجود و ماهیت وجوب و امکان، قابل قبول، علت و معلول، و سبب و مسبب ... متفکران را بر آن داشت تا اندیشه را از حیطه‌ی امکان به وجوب رسانده و نشأت عالم ملکوت را به ناسوتیان منتقل سازند. فکرت را بر ماده و صورتی سوار کنند که هم قابلیت قبول آن را داشته باشد و هم شئ مورد اصابت، مقبول آن فکر گردد از این رو بر حسب قاعده‌ی علت و معلول سبب و مسبب ساز و حنجره را به ترنم آوردند تا اندیشه‌بر بال هنر، به دیگران سبایت که بالا بر مشاهیر اهل علم، عشاق اهل معرفت نیز به منظور برانگیختن شوق قیام بر سر، از موسیقی بهره بردماند و می‌برند.

با در نظر گرفتن تقدمات مذکور، نظریات فلسفی نوظهور، همچون هنر برای هنر،^۱ که به «صورت پیش از معنی»^۲ نظر دارند، در تاریخ تمدن، فرهنگ و هنر اصیل ایران، مسبوق به سابقه است. هنرمند، متفکر نیست خالق زیبایی و زیبایی لمعه‌ای از پرتو حقیقت، که اگر به حقیقت تهر گردد، کالبدی است بی‌جان. برخی بر این باورند، که «چهره برافروختن»^۳ نشأت از «دلبری» دانستن است^۴ و فن ظاهر، روح حقیقت معنی را در کالبد می‌دمد. سخن به آن ماند که جاهلی، هیئت عالم بر خود گیرد و ادعای علم کند، یا کسی مدعی ماضی آسپا سفید کند و مدعی تحصیل تجربه باشد. مثالی از شعر، که همراه بر گشتی دور، یار و همراه موسیقی بوده است، بر تنویر این رأی می‌افزاید. آیا توان بیاب شعر حافظ را بی‌توجه به معانی عمیق و اصلیش درک کرد؟ آیا قالب غنای جاهلی، برای بیان اندیشه‌های حافظ نیست؟ گرچه استادی حافظ در غزل‌سرایی، زبان خاص و عام است، اگر با مضامین اصیل فطرت انسانی همراه نبود، چنین نظری گیتی می‌نشست؟ هنر موجودی است محسوس، زنده و پویا. محسوس است و نیازا محتاج کالبد است. زنده است چون بقایش معلول روح حقیقت است. هنر بی‌بهره از هر یک، محکوم به فناست.

۱. L'art pour l'art، نگرشی به هنر است، به پیش‌گامی نوافیل گوته، که از اواسط قرن ۱۹ مطرح شد.

۲. اشاره دارد به این شعر حافظ: «نه هر که چهره بر افروخت دلبری دارد، نه هر که آینه سازد سکندری داند».

آنچه ناشر مقالات و سخنرانی‌های دکتر داریوش صفوت، بعد از بررسی و تحلیل آنها دریافته است، بر وی روشن می‌کند که دکتر صفوت سعی دارد در لابه‌لای آنچه می‌گوید، یادآور شود که هنر، دارای سرانجام و هدف است. برای آن که بدانیم سرانجامش کجاست، باید دانسته شود که از کجا آمده تا مجدد به اصل خویش رجوع کند. زیرا بر این سبیل است، که «هر کسی کو دور ماند از اصل خویش، باز جوید روزگار وصل خویش».^۱ اگر اهل تحقیق بر سیاق کلامش به‌دقت بنگرند، متوجه خواهند شد که اشاره به تاریخ و فرهنگ موسیقی ایران و چالش‌های دین، فلسفه و عرفان، به آن نیت است که فکر خواننده را بر باره‌ی هنر و ادب تا مسیر تزکیه‌ی نفس و کمال روح را بی‌ماید آن‌گونه هنری که خواجه‌ی سرانجام فرایند:

قلندران طریقت به هم می‌نخزند قبابی اطلس آن‌کس که از هنر عاریست